

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل  
۱۴ سپتمبر ۲۰۲۰



یونس نگاه

## ضعف های هیأت دولت در مذاکرات

تیم مذاکره کننده دولتی در برابر طالبان دو ضعف جدی دارد. اول، اینان می‌خواهند با ادبیات اسلامی از جمهوریت و دموکراسی دفاع کنند. در حالی که اسلام سیاسی و جمهوریت نافعی یک دیگراند. همان طوری که جمهوری عیسوی، جمهوری هندوئی، جمهوری یهودی، جمهوری بودائی و جمهوری شنتوئی با نیازهای زندگی سیاسی و مدنی امروز همخوانی ندارند، جمهوری اسلامی نیز ساختنی نیست. نمونه‌اش ایران است، جمهوری اسلامی پاکستان و افغانستان است. هر جایی که این سه کشور جمهوری عمل کرده، شک نکنیم که اسلام عملی نشده است و هر جایی که هر یکی از این کشورها اسلام را در سیاست معیار قرار داده است، جمهوری تعطیل شده است. طالبان اما در دفاع از اسلام سیاسی بحق‌اند و منطق‌شان از دیدگاه اسلام برتر است. فرزندان "دوستم" و "نور" واقعاً در برابر این سؤال که حدود اسلامی چرا در جمهوری اسلامی تعطیل است، نمی‌توانند جواب داشته باشند، مگر این که رندی کنند و دروغ بگویند. در نظام اسلامی باید دست دزد قطع شود، دره و طناب دار باید فعال باشد. تکفیر و سرکوب دیگران‌دیشان جزء لاینفک اداره اسلامی است.

ضعف دوم تیم دولتی ادعای استقلال است. اگر آن طوری که در کتاب‌های درسی گفته می‌شود جنگ علیه انگلیس بحق بوده و جهاد علیه شوروی افتخار ما می‌باشد، جنگ علیه امریکا و ناتو نیز افتخار است. اگر "شاهشجاع" و "یعقوب‌خان" به دلیل وابستگی به انگلیس مستقل نبوده‌اند، اگر "ببرک کارمل" و "نجیب" به دلیل افتخار به دوستی شوروی وطن فروش بوده‌اند، "کرزی" و "غنی" نیز تفاوتی با آنان ندارند، چون مثل "شاهشجاع" با اتکاء به نیروهای خارجی به قدرت رسیده‌اند و مثل "ببرک" به دوستی ستراتیژیک همپیمان خارجی خود افتخار می‌کنند.

مرا هم اگر به جای "باتور دوستم" بگذارید و از من بخواهید که به "ملا مشک عالم" افتخار کنم ولی "ملا عمر" را دوست نداشته باشم، جهاد علیه شوروی را افتخار بدانم ولی جهاد علیه امریکا را ننگ، برایم سخت می‌شود و پیش طالبان کم می‌آورم.

با طالبان تنها زمانی می‌توان از موضع بحق گپ زد که از میدان بازی و اصولی که آنان مبنای سیاست و حکومت‌داری می‌دانیم خارج شویم و اعتراف کنیم که جمهوریت روش حکومت‌داری مبتنی بر عرف است نه دین، دموکراسی قرارداد بشری است نه نظام آسمانی.

با طالبان زمانی مذاکره معنا دارد که این طرف اعتراف کند ما وابسته‌ایم و حکومت مستقل نداریم، اما می‌خواهیم به استقلال برسیم. باید بپذیرد که آزاد نیستیم اما دوست داریم آزاد باشیم. به طالبان بگویید که ما بعد از سال‌ها جهاد به نتیجه رسیدیم که بدون ایجاد نهادهای دموکراتیک و اقتصاد شگرفاً استقلال به دست آوردنی نیست. ملت گرسنه نمی‌تواند مستقل باشد.

در مجاهد بودن طالبان نمی‌توان شک کرد، ولی اگر واقعاً خواهان جمهوریت هستیم باید از خود بپرسیم، جهاد ابزار مناسب برای سیاست امروز است؟

در مسلمان بودن طالبان نمی‌توان شک کرد، اما اگر کسی واقعاً خواستار نظام دموکراتیک و پرتنوع است، باید از خود بپرسد که آیا با اسلام سیاسی می‌توان جامعه مدرن ساخت؟

هرکسی که تصور می‌کند طالبان نامسلمان‌اند و با ادبیات اسلامی و جهادی می‌توان آنان را قناعت داد که اجرای حدود از جمله قطع دست، دره و سنگسار به نفع ملت نیست، دروغ می‌گوید و طالبان با آیت و حدیث می‌توانند از خود دفاع کنند